



معرفی
گنجینه آثار
تجسمی
فرهنگستان
هنر



محمود جوادی پور، عضو جاوید فرهنگستان هنر

زنده یاد عبدالمجید حسینی راد

فارغ التحصیلان دانشکده، همچون اسفندیاری، ضیاء پور و جواد حمیدی، راه اندازی جلسات سخنرانی و بررسی مکاتب هنر مدرن، و دامن زدن به نقد هنری سعی می کنند فضای متناسب با فعالیت نقاشی نوگرا را در تهران به وجود آورند. استاد سرانجام پس از گذراندن دوره های تکمیلی در آکادمی هنرهای زیبای مونیخ، در سال ۱۳۳۲ به استخدام دانشکده هنرهای زیبا درمی آید. از آن پس فعالیت جوادی پور به عنوان یک هنرمند و مدرس دانشکده، به خلق آثار نقاشی منحصر نمی شود، بلکه بنا به نقشی که هنرمند تجسمی می تواند در عرصه فعالیت های فرهنگی و اجتماعی و اقتصادی ایفا کند، به تولید آثاری متنوع می پردازد. او با تجاربی که از کار در چاپخانه بانک ملی اندوخته است، وارد فعالیت های هنر گرافیک می شود. طراحی تمبر، اوراق قرضه، نشان و اعلان و به ویژه تصویرسازی، فعالیت هایی است که جوادی پور را علاوه بر نقاشی نوگرای ایران، به عنوان پیش کسوتی در عرصه گرافیک معاصر ایران معرفی می کند.

آنچه بیش از همه در آثار استاد جوادی پور به عنوان یک نقاش به چشم می خورد، مضامین، رنگ ها و حال و هوای فضا سازی نقاشی ایرانی است. اصولاً در آثار اکثر قریب به اتفاق هنرمندان هم نسل جوادی پور، یعنی اولین فارغ التحصیلان دانشکده هنرهای زیبا که بسیاری از آنها (ضیاء پور، حمیدی، کاظمی...) همچون استاد جوادی پور برای تکمیل آموخته ها و شناخت خود از هنر مدرن، چندسالی را نیز در مدارس هنر اروپایی گذراندند، عموماً به سنت های هنر ملی و بومی ایران توجه شده است. گرایش به سمت زبانی ایرانی و هویتی ملی در آثار جوادی پور و هم نسلانش، نشان از روحيات ملی، هویت جویی و دل سپردگی آنها به هنر و فرهنگ ایرانی دارد. تقریباً هیچ کدام از فارغ التحصیلان اولیه دانشکده هنرهای زیبا نه فقط یکسره هنر و سنت های فرهنگی ایرانی را به کنار نهادند، بلکه تلاش کردند تا آنچه را از مدرنیسم آموخته بودند، با هنر بومی و اصیل ایرانی عجین کنند و به هنر خود رنگ و بویی ایرانی بدهند. آنها

استاد محمود جوادی پور (۱۲۹۹-۱۳۹۱ ش) در طول شصت سال فعالیت هنری خود به تمام معنی نقاشی پُرکار بوده است. سال ها تلاش و تجربه گری در زمینه های مختلف هنر تجسمی: طراحی، نقاشی، گرافیک و تصویرسازی، اگرچه دلیل اصلی تنوع کارهای اوست، در عین حال نشانه فعالیت مردی است که با تمام توان در زندگی حرفه ای خود کوشیده است.

جوادی پور وارد دانشکده تازه تأسیس هنرهای زیبا شد؛ این دانشکده بر اساس الگوی پارسی اش، بوزار، شکل گرفته بود. در این دوران، از یک سوم میراث مکتب کمال الملک و شاگردان او بر فضای هنری کشور مسلط بود و ذوق عام و خاص را تحت تأثیر خود قرار داده بود و از سوی دیگر تلاشی که از چند سال قبل با راه اندازی اداره صنایع قدیمه صورت گرفته بود، مسیری متفاوت و شاید متناقض با دیدگاه هنرمندان تعلیم گرفته در مدرسه کمال الملک را دامن می زد. این سال ها همچنین با تغییرات سیاسی داخلی و جایگزینی حکومت پهلوی دوم به جای رضاخان مصادف بود. از طرفی نیز با اولین سال های پس از دومین جنگ جهانی هم زمان بود. اگرچه کشور ما به طور مستقیم در جنگ وارد نشد، تبعات سیاسی و اجتماعی آن دامن این سرزمین را گرفت. با این توصیف فضای فعالیت تجسمی در آن سال ها نه فقط بسیار محدود و کم تحرک به نظر می رسد، بلکه عدم حمایت از فعالیت هنرمندان، نبود نگارخانه برای نمایش آثار، و تناقضات موجود باعث می شد که هنرمندان جوان و پُرشور آن سال ها، مانند جوادی پور، همه تلاش خود را برای نشان دادن هنر و آنچه در دانشکده تازه تأسیس آموخته بودند، به کار گیرند. جوادی پور در چنین سال ها و اوضاعی فعالیت هنری خود را به طور حرفه ای شروع می کند. او پس از فراغت از تحصیل دانشکده در چاپخانه بانک ملی مشغول به کار می شود و اولین تجارب کارهای گرافیکی را در آنجا به دست می آورد. پس از آن در سال ۱۳۲۸ «کاشانه هنرهای زیبا» یا «گالری آپادانا» را بنیان می نهد. او و همرا هانش در این کاشانه با برگزاری نمایشگاه هایی از آثار خود و دیگر

نه مایل به ادامه مسیری بودند که از کمال‌الملک و شاگردانش به جای مانده بود و نه می‌توانستند از حقیقت هنر بومی دلی برگیرند و از آنچه در هنر غرب رخ داده بود، مقلدانه پیروی کنند. این مسئله در رنگ‌پردازی، استفاده از نقوش و موضوعات کار این هنرمندان به خوبی خودنمایی می‌کند و در آثار جواد پور بیش از هر کس دیگر از هم‌نسلانش جلوه دارد.

آثار تصویرسازی استاد جواد پور هم از نظر فضا سازی و هم از لحاظ به‌کارگرفتن رنگ و خط به‌طور قابل توجهی ملهم از نقاشی قدیم ایرانی است. اگرچه او در بعضی از تصویرسازی‌ها از تکنیک گراور استفاده کرده، به خوبی توانسته آنها را با آنچه از هنر ایرانی به عاریت گرفته، پیوند دهد. در این قسم آثار، هم توفیق استاد را در استفاده از ویژگی‌های هنر بومی می‌توان دریافت و هم ظرفیت‌های نقاشی قدیم ایرانی را در همراه شدن با تصویرسازی جدید. به واقع ویژگی‌های نقاشی ایرانی در همراهی با فضاهای داستانی و ادبیات روایی و ترجمان آنها به زبان تصویری همواره می‌تواند الهام‌بخش هنرمندان باشد. فضا سازی ادبیات معاصر تفاوت‌هایی عمده با ادبیات کلاسیک فارسی دارد، اما کار هنرمندان همیشه دشوار و خلاقانه است و بی‌شک آن کس توفیق می‌یابد که به‌رغم این تفاوت‌ها بتواند رابطه‌های هنرمندان را بیابد.

آثار نقاشی جواد پور سیری شگفت‌انگیز دارد. او دوره‌های تجربی بسیاری را پشت سر گذاشته است و مگر نه اینکه هنر نوگرا تحولات و تنوع و خلاقیت را عموماً در تجربه‌گری آموخته و نشان داده است؟ بنابراین جوهره مشترکی که آثار نقاشی استاد را در طول شصت سال گذشته به یکدیگر مرتبط می‌سازد، تجربه‌گری و در عین حال تلاش برای حفظ موارث هنر ایرانی در رنگ‌پردازی، به‌کارگیری نقوش و فضا سازی است. این پختگی به‌ویژه در آثار مربوط به بیست سی سال گذشته به نقاشی او شخصیتی ممتاز بخشیده است. در طی این سال‌ها جواد پور به آرامشی شورانگیز در منظره‌پردازی و بازآفرینی فضاهای مورد نظر خود دست یافته است. منظره چشمه علا که

در کارهای گذشته او ریشه دارد، منظره‌ای به تمام معنی ایرانی است؛ با رنگ‌ها، پیکره‌ها، درخت‌ها و آسمان شبانه‌اش، و نوری که از سنت و زندگی نقاشی ایرانی در آن بازتابیده است. ترکیب‌بندی ساده ازدحام صمیمانه پیکره‌ها، گسترش نسبتاً عمودی فضا و نقش و نگارهایی که به مناسبت‌های مختلف در کار آمده، ما را به یاد منظره‌سازی‌های مکتب تبریز و شیراز در عهد صفوی می‌اندازد. منظره‌سازی‌های دیگر استاد در این سال‌ها همچون سقف‌های سفالین، آفتاب روی تپه‌ها، کوه‌های خفته و جمع‌آوری خرمن، همین آرامش پرشور را بازنمایی کرده‌اند. گویی استاد در این آثار فراتر از زمان و مکان قرار گرفته و در آسمان و کوه و درخت و چشمه آب و خوشه‌های گندم و گل‌های آفتاب‌گردان سکوتی می‌بیند که گویاتر از هر کلامی است و این زبان سخنی دارد که همچون زندگی و هنر خود استاد در طی این سال‌ها از تابلوهایش شنیده می‌شود. در دیگر آثار جواد پور در کنار این منظره‌سازی‌ها فضاهایی ایجاد شده است که از یک سو سرگرمی‌ها، شیرینی‌ها و غفلت‌های زندگی روزانه را در چهره آدم‌های آشنا و غریب، مشهور و گمنام، شهری و روستایی و... نشان می‌دهند (آن چنان که در بازار روستایی)؛ و از سوی دیگر رازهای معنوی این زندگی را با تشبیهاتی ساده برملا می‌کنند (آن چنان که در تابلوهایی که در آنها کوزه‌ها جای همه چیز را گرفته‌اند). گاهی اشیا آن قدر تکرار می‌شوند که جای همه چیز را می‌گیرند. آدمی را ترس موهوم فرامی‌گیرد، اما کوزه‌های جواد پور نه فقط ایجاد وحشت نمی‌کنند، بلکه ما را به سؤال‌های همیشگی، به پاسخ‌های ناتمام، به سرزمین فلاسفه شرقی و به درون فضاهای اساطیری و افسانه‌ای دعوت می‌کنند.

منبع

حسینی‌راد، عبدالمجید، (۱۳۹۲)، ویژه‌نامه بزرگداشت پیش‌کسوتان نقاشی ایران: محمود جواد پور، احمد اسفندیاری، منصوره حسینی، تهران: فرهنگستان هنر، صص ۲۵-۲۷.



محمود جوادی پور، برگ درختان سبز در نظر هوشیار، رنگ روغن، ۷۰×۱۰۰ سانتی متر، سال ۱۳۸۲



محمود جوادی پور، باغ، رنگ روغن، ۷۰×۸۰ سانتی متر، سال ۱۳۸۴